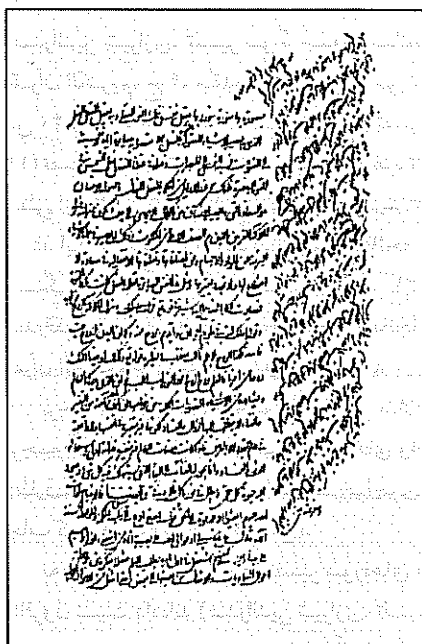




برگی از تفسیر ملاصدرا (بخشی از سوره بقره) به خط مؤلف

۳) تفسیر سوره طارق (تاریخ نگارش: ۱۰۳۰). نسخه خطی این اثر در کتابخانه یکی از نوادگان دختری ملاصدرا، در کاشان، موجود است. این تفسیر به طور جداگانه در تهران چاپ سنگی شده است. ۴) تفسیر سوره اعلی، شامل «هفت تسبیح» (هفت بخش)، که ملاصدرا در آن از تفسیر فخررازی مطالب بسیاری نقل کرده است. این اثر در ۱۳۰۵ در پایان کتاب کشف الفوائد علامه حلی چاپ سنگی شد. ۵) تفسیر سوره زلزال، که در آن به حرکت ذاتی و جوهری زمین اشاره کرده است (صدرالدین شیرازی، تفسیر سوره‌های طارق...، مقدمه خواجهی، ص ۳-۵؛ همو، تفسیر سوره جمعه، همانجا؛ همو، تفسیر القرآن الکریم، ج ۷، ص ۳۵۹، ۴۰۷-۴۰۶، ج ۴، مقدمه خواجهی، ص ۷؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۳۳۶). ۶) تفسیر سوره یس (تاریخ نگارش: ۱۰۳۰). ۷) تفسیر سوره واقعه، که در آن از حشر و معاد و معرفت بندگان در آخرت و مراتب آنان در سعادت و شقاوت سخن گفته است. این اثر در ۱۳۲۲ چاپ سنگی شد (صدرالدین شیرازی، تفسیر سوره واقعه، مقدمه خواجهی، ص ۳؛ همو، تفسیر سوره جمعه، همانجا؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۳۳۴؛ نیز صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ج ۷، مقدمه، ص ۹-۱۰). ۸) تفسیر سوره حدید، که در بخشهای متعددی از آن با عنوان «مکاشفه»، نکاتی حکمی و عرفانی درباره آیات قرآن آمده است. ۹) تفسیر سوره جمعه، که همچون تفسیر سوره واقعه مطالب عرفانی و ذوقی بیشتری، نسبت به دیگر آثار او، دارد. نسخه خطی این اثر به خط مؤلف در کتابخانه

فخری، ابن رشد؛ فیلسوف قرطبه، بیروت ۱۹۹۲؛ همو، سیر فلسفه در جهان اسلام، ترجمه فارسی زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران ۱۳۷۲؛ ش؛ علی بن یوسف قفطی، تاریخ الحكماء قفطی، ترجمه فارسی از قرن یازدهم هجری، چاپ بهین دارانی، تهران ۱۳۷۱؛ ش؛ هانری کورین، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبائی، تهران ۱۳۷۳؛ ش؛ عبدالواحدین علی مراکش، المعجب فی تلخیص اخبار المغرب، چاپ محمد سعید عریان، قاهره ۱۳۶۸/۱۹۲۹؛

S. Munk, *Mélanges de philosophie juive et arabe*, Paris 1927; Ernest Renan, *Averroës et l'Averroïsme*, ed. Fuat Sezgin, Frankfurt 1985; *Routledge Encyclopedia of philosophy*, ed. Edward Craig, London: Routledge, 1998, s.v. "Averroism" (by sten Ebbesen); Dominique Urvoay, *Ibn Rushd (Averroës)*, tr. Olivia Stewart, London 1991; P. Voorhoeve, *Handlist of Arabic manuscripts: in the library of the university of Leiden and other collections in the Netherlands*, [Leiden] 1957.

/ حسین کلیاسی اشتری و محمد زارع /

تفسیر مجاهد - مجاهدین جبر مکی

تفسیر ملاصدرا، مجموعه‌ای از تفاسیر برخی سوره‌های قرآن به عربی از ملاصدرا^۱ (متوفی ۱۰۵۰). وی این تفاسیر را به صورت رساله‌های پراکنده و در مدتی کمتر از بیست سال نوشت.

تفاسیر ملاصدرا به ترتیب سوره‌های قرآن تنظیم و در یک جلد، به کوشش شیخ احمد شیرازی به نام تفسیر ملاصدرا چاپ سنگی شد (تهران ۱۳۲۲؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۲۷۸). سه بار نیز این رساله‌ها در هفت مجلد به نام التفسیر الکبیر و تفسیر القرآن الکریم به چاپ رسیده است (چاپ اول: قم ۱۳۶۱-۱۳۶۴، چاپ دوم: قم ۱۴۱۱/۱۳۶۶، چاپ سوم: قم ۱۳۷۹-۱۳۸۰ ش).

ملاصدرا قصد داشت تفسیری کامل و جامع بنویسد، ولی موفق نشد. وی در حدود ۱۰۴۰، کتاب مفاتیح الغیب لفتح خزائن العلوم المثیرة عن الشک والریب را نوشت تا مقدمه‌ای بر تفسیر جامع او باشد (آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۲۷۸-۲۷۹؛ صدرالدین شیرازی، اسرارالآیات، ص ۳۶۷، پانویس ۱).

رساله‌های تفسیری ملاصدرا، عبارت‌اند از: ۱) تفسیر آیه‌الکرسی (تاریخ اتمام آن: ۱۰۳۰ در قم). ۲) تفسیر سوره نور (تاریخ نگارش: ۱۰۳۰). نسخه خطی این اثر به خط خود او موجود است (صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ج ۴، ص ۴۲۷، مقدمه خواجهی، ص ۷؛ همو، تفسیر سوره جمعه، مقدمه خواجهی، ص ۶؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۳۳۱، ۳۳۴).

یکی از نوادگان دختری ملاصدرا، در کاشان، موجود است (صدرالدین شیرازی، تفسیر سورۀ جمعه، همانجا؛ همو، تفسیر القرآن الکَریم، ج ۴، مقدمۀ خواجوی، ص ۷، نیز ← ج ۶، ص ۱۴۰-۳۲۷، ج ۷، ص ۱۳۵-۳۰۵). (۱۰) تفسیر سورۀ سجده. (۱۱) تفسیر سورۀ فاتحه. (۱۲) تفسیر سورۀ بقره تا آیه ۶۶. نسخۀ خطی این اثر به خط مؤلف در کتابخانۀ مسجد اعظم قم موجود است. این اثر همراه با آیه‌الکرسی و سورۀ فاتحه در ۱۳۰۲ چاپ سنگی شد (آقابزرگ‌طهرانی، ج ۴، ص ۳۳۱، ۳۳۷، ۳۴۰؛ صدرالدین شیرازی، تفسیر سورۀ جمعه، همانجا؛ همو، تفسیر القرآن الکَریم، ج ۱، مقدمۀ بیدارفر، ص ۹۴).

برخی از سوره‌های مجموعۀ تفاسیر ملاصدرا به فارسی ترجمه شده است، از جمله تفسیر سوره‌های واقعه و جمعه و «طارق، اعلی و زلزله» و نور را محمد خواجوی در چهار مجلد چاپ کرده است (تهران ۱۳۶۳ ش).

به ملاصدرا چند رساله در تفسیر سوره‌های ضحی، طلاق و کافرون نسبت داده‌اند (صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکَریم، ج ۱، مقدمۀ بیدارفر، ص ۱۱۸؛ آقابزرگ‌طهرانی، ج ۴، ص ۳۳۶-۳۳۸).

ملاصدرا درباره تفسیر قرآن آثار دیگری هم دارد که آنها را پس از تفاسیر مذکور نوشته است. این آثار بترتیب عبارت‌اند از: (۱) مفاتیح‌الغیب، که پس از رسایل تفسیری، سیزدهمین اثر ملاصدرا درباره تفسیر قرآن است. وی در این کتاب به شرح اصول و مبانی تفسیر خود پرداخته و کوشیده است که از تفسیر قرآن به منزله کلیدی (مفتاح) برای پاسخگویی به مسائل هستی بهره گیرد (صدرالدین شیرازی، مفاتیح‌الغیب، مقدمۀ خواجوی، ص ۳، س). وی در این اثر مباحث فلسفی و عرفانی را همراه با برخی آرا و تعبیرات بزرگانی چون غزالی و فخر رازی و ابن عربی آورده است (همان مقدمه، ص ۳). نسخۀ خطی این کتاب، به قلم علم‌الهدی، فرزند فیض و نوادۀ دختری ملاصدرا، که از روی متن دست‌نویس ملاصدرا کتابت شده، در قم و نجف موجود است (همان، ص ۳، ف؛ آقابزرگ‌طهرانی، ج ۲۱، ص ۳۰۵). این کتاب در ۱۳۶۳ ش، به تصحیح محمد خواجوی و همراه با تعلیقات ملاعلی نوری، در تهران چاپ شد. ترجمۀ این کتاب در همان سال، با مقدمۀ مفصل علی عابدی‌شاه‌رودی، به چاپ رسید (صدرالدین شیرازی، مفاتیح‌الغیب، مقدمۀ خواجوی، ص ۳، ف؛ ب).

(۲) متشابه القرآن، که رساله‌ای کوچک در شش فصل درباره معنای متشابه است (آقابزرگ‌طهرانی، ج ۱۹، ص ۶۲). نسخۀ خطی این رساله در تهران در مجموعۀ سیدمحمد مشکاة و در کتابخانۀ سیدنصرالله تقوی‌اخوی موجود است (همانجا). این اثر در مجموعه‌ای با عنوان رسائل فلسفی، به تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی، انتشار یافته است (صدرالدین شیرازی،

تفسیر القرآن الکَریم، ج ۱، مقدمۀ بیدارفر، ص ۱۰۲-۱۰۳). (۳) اسرارالآیات و انوارالبینات، که مستحیی از آیات قرآن است و سه «طرف» (فصل)، درباره علم ربوبی و افعال خدای تعالی و معاد، دارد که در ضمن آنها لطایف حکمی و عرفانی را با قرآن تطبیق داده و حدود ۱۲۰۰ بار به آیات قرآن استشهاد کرده است (همو، تفسیر سورۀ جمعه، همانجا؛ همو، اسرارالآیات، مقدمۀ خواجوی، ص شانزده). نسخۀ خطی این کتاب به قلم مؤلف در کتابخانۀ عبدالحسین تهرانی در کربلا موجود است (آقابزرگ‌طهرانی، ج ۲، ص ۳۹). این اثر بارها چاپ شده است، از جمله در ۱۳۱۹ در تهران با تعلیقات آخوند ملاعلی نوری (همانجا؛ صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکَریم، ج ۱، مقدمۀ بیدارفر، ص ۹۲، ۱۰۹). محمد خواجوی این کتاب را ترجمه و چاپ کرده است (تهران ۱۳۶۳ ش).

ملاصدرا رسایل تفسیری خود را در فواصل زمانی گوناگون نوشته است؛ ازینرو، در شیوۀ کار او اختلافاتی وجود دارد. برخی از آنها مختصرترند و او در آنها از شیوۀ مفسران چندان دور نشده است؛ مثلاً، در تفسیر سورۀ بقره، به تبعیت از مجمع‌البیان، بخش ادبی را از بقیۀ مطالب، که آنها را «معنی» نامیده، جدا کرده است. برخی دیگر از تفاسیر او مفصل و به شیوۀ تفاسیر ذوقی عرفانی‌اند، بخصوص رساله‌هایی که در اواخر عمرش نوشته است (صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکَریم، ج ۳، ص ۴۵۰-۴۶۶).

ملاصدرا عالم را سه گونه (دنیا، آخرت و عالم‌الاهیت) می‌دانسته و عقیده داشته است که الفاظ قرآن نیز گاهی بر پدیدارهای آشکار و محسوس (دنیا)، گاهی بر سَر (حقیقت و باطن آخرت) و گاهی بر سَر سَر (باطن باطن یا عالم‌الاهیت) دلالت دارند (همو، مفاتیح‌الغیب، ص ۵۸). به همین علت، او از کسانی که تفسیر قرآن را فقط محدود به بحثهای لغوی و ادبی و قرائت و نقل روایت می‌دانند، انتقاد کرده و آنان را «اهل القول و العبارة» یا پرستندگان و بندگان مذاهب و آرا و خواهندگان نفس و هوا خوانده است (همان، ص ۳۰؛ همو، تفسیر القرآن الکَریم، ج ۷، ص ۱۸۴).

ملاصدرا در تفسیر ابتدا به سراغ تفاسیر و عقاید پیروان هریک از فرقه‌ها، حتی آنهایی که با مذاق او سازگار نبوده‌اند، رفته و به این ترتیب، به شیوۀ اغلب مفسران به بحثهای صرفی و نحوی و بلاغی و روایی و اختلاف قرائت و اقوال صحابه و تابعین پرداخته و گاه آنها را نقد کرده است. وی در این موارد، از تفاسیر مشهور، مانند تفسیر نیشابوری، بیضاوی، ثعالبی، علی‌بن ابراهیم قمی و خصوصاً کشاف زمخشری و مجمع‌البیان بهره گرفته است (همو، صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکَریم، جاهای متعدد).

(۱) وجود مراتب در شناخت حقیقت مطلق، یعنی هر موجودی متناسب با مرتبه وجودی خود بخشی از حقیقت را می‌شناسد و حتی بت‌پرستان نیز گوشه‌هایی از حقیقت را دریافته‌اند و بنابراین، از یک نظر خداپرستند، زیرا بتها را به‌عنوان خدا می‌پرستند (همان، ج ۲، ص ۱۱۲، ۳۱۷).

(۲) اصالت و وحدت وجود، بدین معنا که در هستی هیچ چیز جز ذات حق و افعال او، که صورت نامها و مظاهر صفات او هستند، وجود ندارد (همو، اسرارالآیات، ص ۲۴).

(۳) توحید خاصی، بدین معنا که خداوند «بی‌ط الحقیقه» است و هر وجود و هر کمال وجودی برای او حاصل است و از طریق او به ماسوی فیضان می‌یابد و او باید تمام وجود باشد و تمام او وجود باشد (همو، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۶۲).
(۴) حرکت جوهری، بدین معنا که همه جوهرهای مادی، اعم از آسمانی و زمینی، ذاتاً در سیلان‌اند و قابلیت دگرگونی در ذات آنهاست و همواره نو می‌شوند (همان، ج ۱، ص ۱۱۲، ج ۲، ص ۱۱۱، ۲۶۸؛ همو، مفاتیح‌الغیب، ص ۳۶۴).

(۵) قوس صعود و نزول مقام انسان، غایت و مقصود اصلی از خلقت همه آفریدگان، انسان حقیقی است و مبدأ و معاد یا آغاز و انجام انسان خداست، توجه و عنایت حق نیز، از اول امر تا پایان جهان، به او بوده است (همو، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۰۲).

(۶) تطابق عالم صورت و معنی، خدا در عالم صورت هر چه آفریده در عالم معنی نیز همان را آفریده است و در عالم معنی نیز هر چه هست در عالم حق (غیب‌الغیوب) وجود دارد؛ بنابراین، هر چه در این جهان هست، مثال و قالبی است برای آنچه در جهان آخرت وجود دارد و آنچه در عالم آخرت وجود دارد، مثالی است برای حقایق و اعیان شایسته که مظاهر آسمای خداوندند (همان، ج ۴، ص ۱۶۶).

(۷) نفس «جسمانیة‌الحدوث و روحانیة‌البقا» است. پدیدآمدن نفس به‌سبب استعداد بدن برای تحول به مرتبه روحانی و بقای نفس به‌سبب ملکات نفسانی راسخ در آن است (همو، اسرارالآیات، ص ۱۴۲-۱۴۳).

(۸) همه انسانها با بدن محشور نمی‌شوند، کسانی که در دانش به کمال رسیده‌اند، هنگام برانگیخته شدن در محضر حق موجوداتی کاملاً غیرجسمانی و جدا از ماده و در سلک فرشتگان‌اند (همو، تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۷۴).

(۹) دائمی نبودن عذاب دوزخ. ملاصدرا دلایل معتقدان به دائمی نبودن دوزخ، مانند ابن عربی و صدرالدین قونوی و دیگر شارحان فصوص، را بتفصیل و به گونه‌ای تأییدکننده نقل نموده و از فتوحات و فصوص و شرح قیصری بر فصوص مطالب بسیاری آورده و حدیثی از رسول اکرم و سخنی از ابن مسعود در

ملاصدرا در موارد بسیار، برای تفسیر آیات، از دیگر آیات استفاده کرده؛ مثلاً، در تفسیر سوره حمد، که مجموعاً هفت آیه دارد، بیش از صد بار به آیات دیگر استناد کرده است (طاهری، ص ۵۸).

در مرحله دوم تفسیر قرآن، ملاصدرا مطالبی از خود یا کسانی که آنها را «اهل الکشف و الاشارة» یا «اهل الله» نامیده، آورده است. این مطالب مشتمل بر لطایف عرفانی و حکمی‌اند. در این مرحله، او از سخنان خواجه عبدالله انصاری، بایزید بسطامی، یحییٰ بغدادی، سهل تستری و خصوصاً از غزالی، ابن عربی و شارحان آثار ابن عربی، مانند صدرالدین قونوی و قیصری، استفاده کرده و آرای آنان را با لحنی ستایش‌آمیز نقل نموده (صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۰، ۱۰۴-۱۱۰، ۱۵۷-۱۵۸، ۳۲۷، ۳۷۲-۳۷۵، ج ۲، ص ۲۸۵-۲۸۷، ۳۶۶-۳۶۷، ج ۴، ص ۳۱۸-۳۲۱؛ طاهری، ص ۵۹) و از اشعار عرفانی مولوی و عطار و سنایی، که آنها را از حکیمان شمرده، نیز بهره گرفته است (صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ج ۳، ص ۲۲۵، ۳۵۲، ج ۴، ص ۱۶، ۳۲، ۱۷۵، ۲۵۹، ۴۰۵، ج ۶، ص ۲۳-۲۴، ۳۳، ۸۹، ج ۷، ص ۲۸۵). ملاصدرا برخی اشعار فارسی خود را نیز در ضمن تفاسیرش آورده است (همان، ج ۴، ص ۴۰۸، ج ۶، ص ۹-۱۰، ۳۴). او به آرا و آثار فیلسوفان اسلامی و پیش از اسلام نیز توجه کرده و آنان را ستوده است. وی از رساله نیروزیه ابوعلی سینا، که او را استاد فیلسوفان مسلمان خوانده، مطالب فراوانی در تفسیر حروف مقطعه نقل کرده (همان، ج ۱، ص ۲۱۵-۲۱۶، ج ۶، ص ۱۵-۱۷) و از کتاب اثولوجیا، منسوب به ارسطو، مطالبی در باره نشئه‌های سه‌گانه انسان نقل نموده و آن را با قرآن تطبیق داده است (همان، ج ۳، ص ۱۰۶-۱۰۷). ملاصدرا ارسطو را نیز ستوده چندانکه از پیامبر اکرم نقل کرده که در حق او فرموده‌اند که او پیامبری از پیامبران بود و قوم وی قدرش را شناختند (همان، ج ۳، ص ۱۰۵-۱۰۶). وی آیه ۱۲۲ سوره انعام را با نظریه فرفوریوس، که او را پیشوای مشائیان و بزرگترین شاگرد ارسطو معرفی کرده، تطبیق داده است (همان، ج ۷، ص ۲۲۴-۲۲۵). به نظر ملاصدرا، حکیمان یونانی پیش از افلاطون مصداق آیه «... رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ...» (احزاب: ۲۳) بودند و با روانهای پاک و دل‌های طاهر به معراج رفتند. او حکیمان را اهل بیت حکمت دانسته - همانگونه که امامان، اهل بیت نبوت و ولایت‌اند - و بر ایشان درود فرستاده است (همان، ج ۷، ص ۴۱۸).

ملاصدرا، در ضمن تفاسیرش، بسیاری از عقاید فلسفی و عرفانی خود را مطرح کرده و، با استناد به آیات قرآن، بر صحت آنها استدلال نموده است. این عقاید عبارت‌اند از:

گفتگو میان امام و راری مطرح، و بیش از پانصد آیه توضیح داده شده است (ع استادی، ص ۱۵۷-۱۵۹؛ موسوی، ص ۲۶۷).

تفسیر نعمانی، تفسیر به معنای رایج کلمه نیست که به تفسیر تمام آیات قرآن بپردازد، بلکه نوعی تقسیم‌بندی موضوعی آیات قرآن است. نسخه بحارالانوار با خطبه‌ای در حمد و ثنای خدا و صلوات بر پیامبر و ائمه معصومین و احادیثی از پیامبر اکرم درباره قرآن و اهل بیت از جمله حدیث ثقلین آغاز می‌گردد و پس از ذکر طریق نقل نعمانی، حدیثی از امام صادق علیه‌السلام درباره قرآن و انواع و اقسام آیات آن ذکر می‌شود. در این حدیث آمده است که شیعیان از امام علی علیه‌السلام درباره قرآن پرسش کردند و آن حضرت، به اجمال، قرآن و انواع و اقسام آیات آن را وصف نمودند. امام صادق سپس توضیح می‌دهند که شیعیان هرگاه فراغت می‌یافتند از علی بن ابی طالب علیه‌السلام درباره هر یک از اقسام آیات سؤال می‌نمودند. از جمله این پرسشها بحث ناسخ و منسوخ بود که امام شانزده مورد نسخ آیات در قرآن را توضیح دادند. اولین آیه نازل شده، محکم و متشابه، وحی و اقسام آن، معانی و مرادات مختلف خلقت و فتنه و قضا و نور و کفر و شرک در قرآن، عام و خاص، تحریف و مراد از آن، پرسشهای دیگری بود که مطرح شد و امام پس از هر سؤال، آیات هر موضوع را بیان کردند.

همچنین درباره آیات رد بر ملحدان و زنادقه و دهریه و پیروان مذاهب و مکتبها و آرای مختلف، آیات مشتمل بر فرائض و شرایع الاهی و حدود و حکمت آنها، آیات مبین غزوات پیامبر اکرم، آیات مشتمل بر وجوه معایش خلق و مباحث مربوط به امامت توضیحاتی به تفصیل آمده است.

در سلسله سند نقل نعمانی، رجال‌شناسان امامیه به همه راویان این حدیث مفضل، جز علی بن ابی حمزه بطنانی* و پسرش حسن، اعتماد دارند. رجال مذکور در نقل شیخ طوسی، همان رجال مذکور در نقل نعمانی هستند و در نقل ابن قولویه از سعد بن عبدالله اشعری، روایت سعد از استادانش با تعبیر «روئ» مشایخنا عن اصحابنا ذکر شده و از این نظر مرسل است. اینها عواملی است که روایت تفسیر نعمانی را تاکنون در شمار روایات صحیح بی‌خداشه قرار نداده است (موسوی، ص ۲۵۳-۲۶۴).

خلاصه تفسیر نعمانی با نام المحکم والمتشابه - که در کتب رجالی گذشته از آن یاد نشده - از زمان محمدباقر مجلسی و حرّعاملی و یوسف بن احمد بحرانی به بعد، به سید مرتضی علم‌الهدی نسبت داده شده است (مجلسی، ج ۱، ص ۱۱؛ حرّعاملی، ج ۳۰، ص ۱۵۵؛ بحرانی، ص ۳۲۲).

آنچه مجلسی (ج ۹۰، ص ۹۷) به نقل از ابن قولویه از سعد بن عبدالله اشعری نقل کرده، این احتمال ضعیف را به وجود آورده

تأیید آن ذکر کرده، ولی پاسخ مخالفان آنان را تنها در دو سه سطر نقل نموده است (همان، ج ۱، ص ۳۶۵-۳۷۷). البته ملاصدرا در پاره‌ای از آثار خود عقیده‌ای بر خلاف این نظریه اظهار داشته است (برای نمونه ع همان، ج ۹، ص ۳۵۳).

۱۰) خروج از تکلیف. به نوشته ملاصدرا، کسانی که مغلوب احوال عرفانی می‌شوند (مجذوبان) تکلیفی ندارند و به مقتضای حال خود عمل می‌کنند (همو، مفاتیح‌الغیب، ص ۴۸۶).

۱۱) دعوت به استقلال فکری و پیروی از دلیل. ملاصدرا عظمت افراد را ملاک درستی آرای ایشان ندانسته و کسانی را که به عنوان پیشوایان دین، معتقدات خود را بر پایه تقلید از دیگران نهاده‌اند و کسانی را که عقاید دینی را با استناد به معجزه و سخنان دیگران ثابت می‌کنند، نکوهش کرده است (همو، تفسیر القرآن الکریم، ج ۲، ص ۶۲، ۲۹۵، ج ۳، ص ۲۷۶-۲۷۸، ج ۵، ص ۱۳). به عقیده وی، کمال و عبودیت در آزادگی فکری است (همان، ج ۲، ص ۱۲۴).

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، اسرارالآیات، ترجمه و تعلیق محمد خواجوی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ همو، تفسیر القرآن الکریم، چاپ محمد خواجوی، قم ۱۳۷۹-۱۳۸۰ ش؛ همو، تفسیر سورة جمعه، ترجمه و تصحیح و تعلیق محمد خواجوی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ همو، تفسیر سورة واقعه، ترجمه و تعلیق محمد خواجوی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ همو، تفسیر سوره‌های طارق و اعلی و زلزله، ترجمه و تعلیق محمد خواجوی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ همو، مفاتیح‌الغیب، با تعلیقات علی نوری، چاپ محمد خواجوی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ صدرالدین طاهری، «گزارشی از تفاسیر صدرالمآلهین بر قرآن کریم»، خردنامه صدر، ش ۱ (اردیبهشت ۱۳۷۴).

/ اکبر ثبوت /

تفسیر نعمانی، تفسیری روایی منسوب به ابو عبدالله محمد بن ابراهیم کاتب نعمانی معروف به ابن ابی زینب، متکلم و محدث و مفسر امامی اوایل قرن چهارم. بخشی از این تفسیر، مطالبی مفضل منسوب به امام علی علیه‌السلام است درباره قرآن که امام صادق آن را روایت کرده و به سبب نقل آن در این تفسیر بمرور به تفسیر نعمانی شهرت یافته است. این روایت را جعفر بن محمد بن قولویه (قولویه) از سعد بن عبدالله اشعری (مجلسی، ج ۹۰، ص ۹۷) و شیخ طوسی (امین، ج ۱، ص ۹۱) نیز نقل کرده‌اند.

محمدباقر مجلسی روایت نعمانی را به‌طور کامل در «کتاب القرآن» بحارالانوار (ج ۹۰، ص ۹۷-۱) با این عنوان آورده است: «آنچه از امام علی علیه‌السلام درباره اقسام و انواع آیات قرآن و تفسیر بعضی از آیات آن به روایت نعمانی نقل شده است...». در این تفسیر، حدود شصت موضوع قرآنی به صورت